

بررسی و تحلیل اشتغال ایجاد شده بر وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه هدف سازمان

بهبودی استانی خراسان رضوی*

حسن توزنده‌جانی^{*1}

1) استادیار. عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیشابور

* نویسنده مسؤل: D.tozandejani44@yahoo.com

* این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی می باشد که به سفارش معاونت کارآفرینی و اشتغال سازمان بهزیستی خراسان رضوی انجام شده است.

تاریخ دریافت مقاله 88/3/19 تاریخ آغاز بررسی مقاله 88/4/1 تاریخ پذیرش مقاله 88/7/3

چکیده

اعتبار، نوع شغل و شهرستان محل اقامت با عزت نفس و هم‌چنین، منابع تامین اعتبار و نوع شغل با پذیرش اجتماعی رابطه معناداری دارند.

کلید واژه گان: نگرش شغلی و خانوادگی - اشتغال ایجاد شده - وضعیت اقتصادی و اجتماعی

این پژوهش از نوع پژوهش‌های پیمایشی و توصیفی است که با هدف بررسی تأثیر اشتغال ایجاد شده بر وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه هدف سازمان بهزیستی استان خراسان رضوی انجام شده است. بدین منظور نمونه‌ای به حجم 768 نفر از مددجویان تحت پوشش حوزه‌های توانبخشی، امور اجتماعی و پیشگیری سازمان بهزیستی را به صورت طبقه‌ای انتخاب نموده و به صورت تصادفی در دو گروه 384 نفره آزمایش و کنترل جایگزین گردید. در این پژوهش از سه پرسشنامه نگرش شغلی و خانوادگی (محقق ساخته)، مقیاس عزت نفس روزنبرگ و مقیاس پذیرش اجتماعی کراون - مارلو استفاده شد. نتایج بیانگر این بود که میان دو گروه مورد مقایسه در متغیرهای مورد نظر تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، اشتغال ایجاد شده بر وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه مورد مطالعه تأثیر مثبتی داشته است. از سوی دیگر، منابع تامین

مقدمه

نظر گرفته می‌شود. بخشی از این اعتبارات، صرف توانمندسازی و کاهش فقر افراد نیازمند می‌گردد. سازمان بهزیستی به منظور اجرای مأموریت خود و تحقق اهداف سازمانی با استفاده از برنامه‌های اجتماع محور، به اشتغال از طریق پرداخت سرمایه کار یا ایجاد کارگاه‌های کوچک و تأمین حق بیمه سهم کارفرما در بیمه‌های تأمین اجتماعی پرداخته است (مولودی، 1370).

بر پایه مطالعات صورت گرفته، آمار بیکاری افراد معلول خصوصاً در بین جوانان معلول در حدود دو برابر آمار بیکاری افراد سالم است. نتایج مطالعات انجام شده در داخل کشور تصریح می‌کند که آمار بیکاری در بین معلولان در سطح جهان نسبت به افراد عادی 2 برابر و در کشور ایران 3 برابر است. در حال حاضر حدود 212 هزار معلول و مددجوی بیکار تحت پوشش سازمان بهزیستی هستند و این در حالی است که از سال 1380 تا کنون تنها برای حدود 80 هزار نفر از افراد تحت پوشش شغل ایجاد شده است. از سوی دیگر، در حال حاضر یک میلیون و سیصد هزار نفر زن سرپرست خانوار در کشور وجود دارد که از این عده 700 هزار نفر تحت پوشش حوزه‌ی اشتغال یا بازنشستگی بوده و یا مستمری بگیر می‌باشند و 600 هزار نفر از این زنان سرپرست خانوار فاقد درآمد تضمین شده قابل اطمینان هستند. جدای از جنبه مالی و درآمدزایی اشتغال، عوامل مؤثر و تأثیرگذاری از قبیل تغییرات ایجاد شده در زمینه‌های فرهنگی، روانی و اجتماعی از تبعات مثبت ایجاد اشتغال است که نیازمند بررسی‌های گسترده‌تری است (ترابی کیا، 1377).

ایجاد اشتغال می‌تواند زمینه‌های رشد افراد را از جنبه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی تسهیل نماید.

سازمان‌ها به منظور دستیابی به اهداف سازمانی، شناسایی ظرفیت‌ها و توانمندی‌های خویش و ایجاد توانایی در جهت ترمیم نقاط ضعف از یک سوی و تقویت نقاط قوت از سوی دیگر، به توسعه کمی و کیفی خود مبادرت می‌ورزند. در این راستا، سازمان بهزیستی به عنوان یکی از دو سازمان بزرگ خدمت‌رسان و حامی اقشار آسیب‌دیده در کشور مطرح بوده و کانون اصلی فعالیت‌ها و برنامه‌های این سازمان، پیشگیری از فروپاشی زندگی افراد و خانواده‌هایی است که به علت مشکلات اقتصادی و ناهنجاری‌های اجتماعی و فرهنگی دچار آسیب‌پذیری و ناتوانی‌های مختلف شده‌اند و یا از معلولیت‌های جسمی و روانی رنج می‌برند. همگام با این فعالیت‌ها، سازمان بهزیستی وظیفه دارد با بهره‌گیری از روش‌های علمی و با هدف کمک مستمر و غیر مستمر حسب قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست و قانون جامع حمایت از حقوق معلولین با ایجاد فرصت‌های شغلی در قالب خود اشتغالی، تعاونی، ... و تشکیل ستاد اشتغال، به این مهم پردازد و ضمن ارایه‌ی آموزش‌های مناسب به جامعه، ایجاد اشتغال مولد و جامعه محور را تا مرحله‌ی اجتماعی شدن افراد جامعه تحت پوشش خود، در دستور کار قرار دهد. این اقدامات بر پایه سیاست‌ها و اقداماتی است که برای حمایت از جامعه هدف بهزیستی صورت گرفته است (فورسایت¹، به نقل از نجفی و پاشا شریفی، 1380).

بررسی‌ها نشان داده است که برای توانمندسازی افراد و کاهش محرومیت، استراتژی اشتغال و کارآفرینی مؤثر است. برای نیل به این هدف و تحقق کاهش فقر، همه ساله اعتباری برای تأمین هزینه‌های معیشتی نیازمندان و معلولان تحت پوشش سازمان‌ها و نهادهای حمایتی در

1. Forsaite

درآمد بدون کار بودند و 3/9 درصد نیز در سایر گروه‌های فعالیت طبقه‌بندی شده‌اند.

در یک بررسی تحقیقی با هدف مقایسه عملکرد تحصیلی و سازگاری عاطفی - اجتماعی فرزندان مادران شاغل و غیرشاغل در شوشتر، نتایج بیانگر این بود که زنان شاغل در مقایسه با زنان خانه‌دار به طور معناداری خود را با معلومات‌تر، باهوش‌تر، موفق‌تر، با تنبلی کمتر و با وضعیت ظاهری بهتر، مستقل‌تر با حسادت کمتر، تلاش و سخت‌کوشی بیشتر و بی‌رحمی کمتری می‌دانند (افشاری، 1375).

اوتادی (1381) در پژوهشی با هدف بررسی تأثیر اشتغال زنان بر روی سلامت روان همسران آنان به شیوه پیمایشی در شهر تهران پرداخته است و اذعان می‌دارد که همسران زنان شاغل از سلامت روان بالاتری برخوردارند. نتایج این پژوهش تصریح می‌کند که والدین با تحصیلات بالاتر از سلامت روان بالایی برخوردارند. نتایج پژوهش مباشر مقدم (1381) نیز حاکی از این است که بین سلامت روانی دانشجویان شاغل و غیرشاغل، متاهل و مجرد تفاوت وجود دارد. حسینی‌نسب (1381) و ابراهیمی (1381) براساس نتایج بررسی‌های خود اذعان می‌کنند که افزایش جمعیت موجب بروز مشکلات اقتصادی، اجتماعی و حتی فرهنگی می‌شود، مشکلاتی که جز با استراتژی‌های بلندمدت و مشخص برای مهار رشد جمعیت و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، همراه با تسهیلات لازم برای انواع سرمایه‌گذاری‌ها برطرف نخواهد شد. یارایی (1378) بر پایه نتایج حاصل از بررسی خود که با هدف بررسی تأثیر اشتغال مادران در پنج سال اولیه زندگی کودکان بر رشد شناختی و اجتماعی کودکان پرداخته است اذعان می‌دارد که به طور کلی اشتغال مادران در سال‌های اولیه زندگی کودک بر رشد

عواملی همچون ایجاد عزت نفس، احساس مفید بودن برای جامعه، سلامت جسمی، ارتقای منزلت اجتماعی، سلامت روانی و برطرف شدن انزوای اجتماعی نیز از تبعات ایجاد اشتغال است (رایس¹، 2005؛ جکسون²، 2001).

در سال 75، بیشتر از یک سوم (33/6 درصد) از خانوارهای دارای سرپرست زن را خانوارهای یک نفره و بیش از یک دوم (51/8 درصد) از این خانوارها را خانوارهای یک یا دو نفره تشکیل می‌دادند. همچنین، بیشتر از یک پنجم (21/2 درصد) زنان سرپرست خانوار، سرپرستی خانوارهای 5 نفره و بیشتر را برعهده داشتند. این نسبت در نقاط شهری 19/6 بود (نور بلوچی و مرتضوی، 1371). الگوی سنی زنان سرپرست خانوار در سال 75 به ترتیب در گروه‌های سنی 65 ساله و بیشتر (31/7 درصد)، 64-60 ساله (11/6 درصد) و 59-50 ساله (9/4 درصد)، در مجموع 52/7 درصد از زنان سرپرست خانوار در این سه گروه سنی قرار می‌گیرند.

نسبت باسوادی در بین زنان سرپرست خانوار کل کشور در سال 75 برابر با 33/8 درصد و نزدیک به دوسوم از زنان سرپرست خانوار بی سواد بودند. مقاطع ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و پیش‌دانشگاهی به ترتیب بیشترین فراوانی نسبی را داشتند. در این سال، 3/2 درصد از زنان سرپرست خانوار دارای تحصیلات عالی بودند که یک درصد از این میزان را خانوارهای یک نفره تشکیل می‌دهند (عمدتاً کسانی که به دلیل تحصیل در حوزه هنوز ازدواج نکرده‌اند) (نور بلوچی و مرتضوی، 1371). از بین زنان سرپرست خانوار در کل کشور در سال 75، 15/8 درصد شاغل، 0/6 درصد بیکار (جویای کار)، 1/6 درصد محصل، 57/6 درصد خانه‌دار و 20/2 درصد دارای

1. Riess

2. Jackson

اشتغال از طریق آن، زمینه‌های مناسبی را برای کار در مؤسسات و شرکت‌های متقاضی ایجاد کرده است (یول⁶، 2006).

با توجه به گزارش‌های فوق، این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این سوال‌ها می‌باشد که: آیا روش‌های استفاده شده برای ایجاد اشتغال بر وضعیت اقتصادی نمونه مورد بررسی مؤثر بوده است؟ آیا روش‌های استفاده شده برای ایجاد اشتغال بر وضعیت اجتماعی نمونه مورد بررسی مؤثر بوده است؟ آیا روش‌های استفاده شده برای ایجاد اشتغال بر وضعیت فرهنگی نمونه مورد بررسی مؤثر بوده است؟

روش پژوهش

در این پژوهش از دو نوع روش تحقیق استفاده شده است. نوع اول، نوع توصیفی (پیمایشی) است که به منظور بررسی توزیع ویژگی‌های جامعه آماری به کار رفته است و سؤال‌های پژوهشی نظیر (ماهیت شرایط موجود چگونه است؟ چه رابطه‌ای میان رویدادها وجود دارد؟ و وضعیت موجود چگونه است؟) را پاسخ می‌دهد. نوع دوم طرح پس‌آزمون با گروه کنترل است که طی آن با انتخاب و جایگزینی آزمودنی‌ها در گروه‌های کنترل، قادر به کنترل متغیرها، نحوه انتخاب آزمودنی‌ها، رخداد‌های تاریخی همزمان با اجرای پژوهش، بلوغ روانی و جسمی و بازگشت‌های ناشی از ابزار آماری بکار برده شده خواهد بود (گلاس⁷ و استانلی⁸، به نقل از اسفندیاری و عابدینی، 1368).

جامعه آماری، نمونه آماری و روش نمونه‌گیری. در این پژوهش، جامعه آماری مورد مطالعه شامل تمامی مددجویان تحت پوشش سازمان بهزیستی استان خراسان رضوی می‌باشد. این افراد شامل آسیب‌دیدگان اجتماعی، زنان سرپرست خانوار، جوانان بی‌سرپرست، آسیب‌دیدگان

شناختی و اجتماعی کودکان آن‌ها در بدو ورود به دبستان تأثیر منفی ندارد. کربلایی و لالایی (1378) بر پایه نتایج بررسی خود که با هدف مطالعه تأثیر اشتغال مادران بر عزت نفس کودکان 9 تا 11 ساله پرداخته‌اند، اظهار می‌کنند که کودکان مادران شاغل در عزت نفس نمرات بالاتری نسبت به کودکان مادران خانه‌دار به دست آورده‌اند. نتایج مطالعات دانشگاه نبراسکا¹ (2002) نشان می‌دهد که ایجاد کارگاه‌های حمایتی پس از آموزش‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت معلولین (نابینایان، ناشنوایان و معلولین جسمی) توانسته است موقعیت اقتصادی مناسبی را برای آنان فراهم نماید. هم‌چنین، بررسی‌های دیگری اذعان می‌دارند که با وجود حمایت‌های بیمه‌ای از شهروندان، زمینه ایجاد اشتغال برای آنان جزء حقوق اولیه برشمرده شده است (هدمن²، 2003؛ جونز³، 2002). نتایج بررسی‌های کراوس⁴ (2004) نشان می‌دهد که حوزه‌های اجتماعی و خانوادگی و همسو ساختن این دو عامل توانسته است نتایج مؤثری را برای توانمندسازی اقشار جامعه که به آموزش‌های ویژه در مورد شغل احتیاج دارند، فراهم کند. این بررسی‌ها نشان می‌دهند که مشاوره روان‌شناسی، مشاوره شغلی، ارزیابی‌های جسمانی و ذهنی و ایجاد زمینه‌های مساعد برای مولد ساختن این افراد، مؤلفه‌های مؤثری بوده‌اند. بر پایه گزارش کالج گلندال⁵ (2005)، آموزش افراد نیازمند به اشتغال اعم از معلولین (نابینایان، ناشنوایان و افراد با ناتوانی جسمی) در زمینه اشتغال با یادگیری کامپیوتر از موفقیت بالایی برخوردار بوده است. این گزارش می‌افزاید آموزش کامپیوتر و ایجاد

1. Nabrascka
2. Hedman
3. Jonse
4. Chrous
5. Glendall college

6 . Joull
7. Glass
8 . Stanly

کرونباخ 0/74 می‌باشد. به منظور افزایش دقت در تکمیل ابزار تحقیق، پاسخ به ابزارها از طریق مصاحبه با پاسخگویان توسط کارشناسان گروه پژوهش تکمیل گردید.

روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها. در پژوهش حاضر، تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو بخش توصیفی و استنباطی انجام شده است. به منظور پاسخگویی به سؤال‌های تحقیق از شاخص‌های آمار توصیفی شامل بررسی میانگین، درصد و نمودار استفاده شد. برای مقایسه گروه‌ها از آزمون پارامتریک t، کای - سکوئر، تحلیل واریانس و آزمون تعقیبی توکی استفاده گردید.

یافته‌ها

به منظور بررسی سوال اول پژوهش مبنی بر این که آیا روش‌های استفاده شده برای ایجاد اشتغال بر وضعیت اقتصادی نمونه مورد بررسی مؤثر بوده است یا نه و همچنین اثر بخشی اشتغال بر وضعیت اقتصادی آزمودنی‌ها، ابتدا وضعیت اقتصادی آزمودنی‌های شاغل در بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات را مورد مقایسه قرار دادیم.

اجتماعی و اقشار در معرض آسیب، معلولین و سایر مددجویان تحت پوشش سازمان بهزیستی بودند که به نوعی برای آنان شغلی ایجاد شده بود و یا در نوبت اشتغال قرار داشتند. با توجه به نا مشخص بودن واریانس جامعه و متغیرهای مورد مطالعه، از بیشینه واریانس برای محاسبه حجم نمونه استفاده گردید. شیوه نمونه‌گیری مورد استفاده در این تحقیق روش نمونه‌گیری طبقه‌ای بود که با جدا کردن اعضای جامعه به گروه‌های مجزا به نام طبقات و سپس انتخاب یک نمونه تصادفی ساده (260 مددجوی تحت پوشش سازمان بهزیستی) از هر طبقه فراهم می‌آید.

ابزار تحقیق. برای دستیابی به اهداف پژوهشی از سه پرسشنامه بهره گرفته شده است: الف) پرسشنامه محقق‌ساخته شامل دو بخش، بخش اول مشتمل بر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی آزمودنی‌ها و بخش دوم حاوی نوزده گویه که نگرش فرد به شغل، جنبه اقتصادی شغل، ارتباطات درون خانوادگی، برون خانوادگی و زناشویی را می‌سنجند. اعتبار این آزمون بر پایه آلفای کرونباخ 0/93 مورد تأیید قرار گرفته است. ب) مقیاس عزت نفس روزنبرگ. اعتبار این آزمون بر پایه آلفای کرونباخ 0/81 می‌باشد. ج) مقیاس پذیرش اجتماعی کراون و مارلو. ضریب اعتبار این آزمون با روش آلفای

جدول شماره 1. آزمون کای - سکوئر اثر اشتغال در بخش‌های مختلف بر وضعیت اقتصادی آزمودنی‌ها

سطح معناداری	ضریب همبستگی فی	سطح معناداری p	درجه آزادی df	مجذور x^2
0/002	0/236	0/002	6	21/35

اشتغال در بخش‌های مختلف بر وضعیت اقتصادی "0/05) < p) تأیید می‌شود. نتایج بیانگر این است که بخش صنعت بیشتر از سایر بخش‌ها توانسته است بر وضعیت اقتصادی تأثیر بگذارد.

در جدول شماره 1 ملاحظه می‌شود که مجذور محاسبه شده با درجه آزادی 6 معادل 21/35 می‌باشد که در سطح 0/002 معنادار می‌باشد. بنابراین، اشتغال در بخش‌های مختلف بر وضعیت اقتصادی آزمودنی‌ها تأثیر معناداری داشته است و فرض تحقیق مبنی بر "اثر بخشی

جدول شماره 2. آزمون کای - اسکوئر اثر اشتغال به صورت‌های مختلف بر وضعیت اقتصادی

سطح معناداری	ضریب همبستگی	سطح معناداری p	درجه آزادی df	مجذور x^2
0/000	0/394	0/000	9	59/53

اشتغال به صورت‌های مختلف بر وضعیت اقتصادی " $p < 0/05$ " تأیید می‌شود. نتایج بیانگر این است که اشتغال به صورت کارفرمای بیشتر از سایر موارد توانسته است بر وضعیت اقتصادی تأثیر بگذارد.

در جدول شماره 2 ملاحظه می‌شود که مجذور محاسبه شده با درجه آزادی 9 معادل 59/53 می‌باشد که در سطح $p = 0/000$ معنادار می‌باشد. بنابراین، اشتغال به صورت‌های مختلف بر وضعیت اقتصادی آزمودنی‌ها تأثیر معناداری داشته است و فرض تحقیق مبنی بر "اثربخشی

جدول شماره 3. آزمون t مستقل دو گروه شاغل موقت و دائم از نظر وضعیت اقتصادی

متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	آزمون t		
				سطح معناداری	درجه آزادی	ارزش t
دائم	213	1/7	0/875	0/115	382	1/58
موقت	171	1/57	0/804			

به منظور بررسی سوال دوم پژوهش مبنی بر این که آیا روش‌های استفاده شده برای ایجاد اشتغال بر وضعیت اجتماعی نمونه مورد بررسی مؤثر بوده است یا نه و همچنین اثر بخشی اشتغال بر وضعیت اجتماعی آزمودنی‌ها، آزمون t و تحلیل واریانس یک طرفه مورد استفاده قرار گرفت. این نتایج در جداول 4 تا 6 ارائه شده است.

با توجه به این که t محاسبه شده (1/58) با درجه آزادی 382 از t معیار بزرگتر است، بنابراین فرض صفر تایید و تحقیق مبنی بر "اثربخشی اشتغال (دائم یا موقت) بر وضعیت اقتصادی" ($P > 0/05$) رد می‌شود. از اینرو، نتیجه‌گیری می‌شود که وضعیت اشتغال (دائم یا موقت) بر وضعیت اقتصادی آزمودنی‌ها تأثیری نداشته است.

جدول شماره 4. آزمون t دو گروه آزمایش و کنترل بر حسب وضعیت اجتماعی

متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	آزمون t		
				سطح معناداری	درجه آزادی	ارزش t
پذیرش اجتماعی	384	20/43	8/3	0/001	766	3/358
کنترل	384	18/33	9/1			

(شاغل بودن یا نبودن) بر وضعیت اجتماعی " $p < 0/05$ " تأیید می‌شود. از این رو، نتیجه‌گیری می‌شود که اشتغال بر وضعیت اجتماعی آزمودنی‌ها تأثیر گذاشته است.

با توجه به این که t محاسبه شده (3/358) با درجه آزادی 766 بزرگتر از t معیار می‌باشد، بنابراین فرض صفر رد شده و فرض تحقیق مبنی بر "اثربخشی اشتغال

جدول شماره 5. آزمون آنووا در مورد تأثیر اشتغال به صورت‌های مختلف بر وضعیت اجتماعی

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری
بین گروه‌ها	221/731	3	73/91	1/077	0/359
درون گروه‌ها	26086/642	380	68/649		
کل	26308/372	383			

نتیجه می‌گیریم که بین میانگین‌های مورد مقایسه تفاوت معناداری وجود ندارد. به عبارت دیگر، اشتغال به صورت‌های مختلف نمی‌تواند بر وضعیت اجتماعی آزمودنی‌ها مؤثر باشد.

در جدول شماره 5 ملاحظه می‌شود که F محاسبه شده (1/077) با درجات آزادی 3 و 380 از F معیار کوچکتر می‌باشد، بنابراین فرض صفر تایید شده و فرض تحقیق مبنی بر "اثر بخشی اشتغال (شاغل بودن یا نبودن) بر وضعیت اجتماعی" ($p > 0/05$) رد می‌شود. از این رو،

جدول شماره 6. آزمون آنووا در مورد تأثیر اشتغال در بخش‌های مختلف بر وضعیت اجتماعی

سطح معناداری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	منبع تغییرات
0/384	0/96	65/459	2	130/918	بین گروه‌ها
		68/214	386	26330/661	درون گروه‌ها
			388	26461/578	کل

به منظور بررسی سؤال سوم پژوهش مبنی بر این که آیا روش‌های استفاده شده برای ایجاد اشتغال بر وضعیت فرهنگی نمونه مورد بررسی مؤثر بوده است یا نه و همچنین اثربخشی اشتغال بر وضعیت فرهنگی آزمودنی‌ها، آزمون تحلیل واریانس یک طرفه مورد استفاده قرار گرفت. این نتایج بر حسب متغیرهای تحصیلات، تعداد افراد خانواده و نگرش به خانواده در جداول 7 تا 9 ارائه شده است.

همان‌طور که در جدول شماره 6 ملاحظه می‌شود، F محاسبه شده (0/96) با درجات آزادی 2 و 386 کوچکتر از F معیار می‌باشد، بنابراین فرض صفر تایید شده و فرض تحقیق مبنی بر "اثربخشی اشتغال در بخش‌های مختلف بر وضعیت اجتماعی" ($p > 0/05$) رد می‌شود. از اینرو، نتیجه گرفته می‌شود که بین میانگین‌های مورد مقایسه تفاوت معناداری وجود ندارد. به عبارت دیگر، اشتغال در بخش‌های مختلف نمی‌تواند بر وضعیت اجتماعی آزمودنی‌ها مؤثر باشد.

جدول شماره 7. آزمون آنووا تأثیر اشتغال به صورت‌های مختلف بر وضعیت فرهنگی آزمودنی‌ها (تحصیلات)

سطح معناداری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	منبع تغییرات
0/06	2/55	50/151	3	150/453	بین گروه‌ها
		19/629	380	7458/836	درون گروه‌ها
			383	7609/289	کل

(تحصیلات) ($p > 0/05$) رد می‌شود. از اینرو، نتیجه گرفته می‌شود که بین میانگین‌های مورد مقایسه تفاوت معناداری وجود ندارد. به عبارت دیگر، اشتغال به صورت‌های مختلف نمی‌تواند بر وضعیت فرهنگی آزمودنی‌ها مؤثر باشد.

همان‌طور که در جدول شماره 7 ملاحظه می‌شود، F محاسبه شده (2/55) با درجات آزادی 3 و $df=380$ کوچکتر از F معیار می‌باشد، بنابراین فرض صفر تایید شده و فرض تحقیق مبنی بر "اثربخشی اشتغال به صورت‌های مختلف بر وضعیت فرهنگی آزمودنی‌ها

جدول شماره 8. آزمون آنووا در مورد تأثیر اشتغال به صورت‌های مختلف بر وضعیت فرهنگی آزمودنی‌ها (تعداد افراد خانواده)

سطح معناداری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	منبع تغییرات
0/074	2/33	9/09	3	27/281	بین گروه‌ها
		3/9	380	1482/841	درون گروه‌ها
			383	1510/122	کل

(تعداد افراد خانواده) ($p > 0/05$) رد می‌شود. از این رو، نتیجه می‌گیریم که بین میانگین‌های مورد مقایسه تفاوت معناداری وجود ندارد. به عبارت دیگر، اشتغال به صورت‌های مختلف نمی‌تواند بر وضعیت اجتماعی آزمودنی‌ها مؤثر باشد.

همان‌طور که در جدول شماره 8 ملاحظه می‌شود، F محاسبه شده (2/33) با درجات آزادی 3 و $df=380$ کوچکتر از F معیار می‌باشد، بنابراین فرض صفر تایید شده و فرض تحقیق مبنی بر "اثربخشی اشتغال به صورت‌های مختلف بر وضعیت فرهنگی آزمودنی‌ها

جدول شماره 9. آزمون آنووا در مورد تأثیر اشتغال به صورت‌های مختلف بر وضعیت فرهنگی آزمودنی‌ها (نگرش به خانواده)

سطح معناداری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	منبع تغییرات
0/477	0/833	44/386	3	133/158	بین گروه‌ها
		53/288	190	10124/702	درون گروه‌ها
			193	10257/861	کل

سلامت روانی، برطرف شدن انزوای اجتماعی و ... پیامدهای مثبت تحقق چنین هدفی است که تأثیر مستقیم و به سزایی نیز بر سلامت فضای جامعه دارد.

از جمله استراتژی‌های موفق برای توانمندسازی فقرا و کاهش فقر و محرومیت، استراتژی اشتغال و کارآفرینی مؤثر است. برای نیل به این هدف و تحقق کاهش فقر، همه ساله اعتباری برای تأمین هزینه‌های معیشتی نیازمندان و معلولان تحت پوشش سازمان‌ها و نهادهای حمایتی در نظر گرفته می‌شود.

از دیگر برنامه‌های ستاد اشتغال کشور آموزش معلولین و مجددجویان از طریق کارگاه‌های حمایتی با توجه به امکانات بخش خصوصی و خیریه است تا معلولین و مددجویانی که نمی‌توانند از امکانات آموزشی بیرون استفاده کنند، در داخل منزل از این آموزش‌ها بهره‌مند شوند. این انتظار وجود دارد که با فعالیت‌های ستاد اشتغال، وضعیت اشتغال معلولین و مددجویان دارای نظام مندی خاصی شده و برنامه‌ریزی مدونی برای اشتغال جامعه هدف بهزیستی صورت پذیرد. بر پایه مطالعات صورت گرفته، آمار بیکاری افراد معلول خصوصاً در بین جوانان معلول در حدود دو برابر آمار بیکاری افراد سالم است، بنابراین، دستیابی به راهکارهای نتیجه بخش در جهت حمایت از خودکفایی شغلی و حقوق اجتماعی - فردی افراد معلول کاملاً ضرورت دارد. تحقیق حاضر با هدف اصلی بررسی و تحلیل اشتغال ایجاد شده بر وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه هدف بهزیستی انجام شده و به دنبال بررسی اثر اشتغال بر وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آزمودنی‌ها بوده است.

همان طور که در جدول شماره 9 ملاحظه می‌شود، F محاسبه شده (0/833) با درجات آزادی 3 و $df=190$ کوچکتر از F معیار می‌باشد. بنابراین فرض صفر تایید شده و فرض تحقیق مبنی بر "اثربخشی اشتغال به صورت‌های مختلف بر وضعیت فرهنگی آزمودنی‌ها (نگرش به خانواده)" ($p > 0/05$) رد می‌شود. از این رو، نتیجه می‌گیریم که بین میانگین‌های مورد مقایسه تفاوت معناداری وجود ندارد. به عبارت دیگر، اشتغال به صورت‌های مختلف نمی‌تواند بر وضعیت اجتماعی آزمودنی‌ها مؤثر باشد.

بحث و نتیجه گیری

در حال حاضر، جوامع با رشد سریع و شتابنده‌ای مواجه شده‌اند، آن‌چنان که می‌توان دوره کنونی را دوره تحولات شتابنده و غیرقابل پیش‌بینی نامید. سازمان‌ها برای مقابله با تهدیدها و استفاده از فرصت‌های احتمالی به منظور دستیابی به اهداف سازمانی، می‌باید ظرفیت‌ها و توانمندی‌های خویش را شناسایی نموده و نقاط ضعف را ترمیم و به تقویت نقاط قوت پردازند و از این طریق به توسعه کمی و کیفی سازمان خود دست یابند.

جامعه‌ای که سازمان بهزیستی عهده‌دار ارائه خدمات به آن می‌باشد از تنوع خاصی برخوردار است. معلولان، زنان سرپرست خانوار، جوانان بی‌سرپرست، آسیب‌دیدگان اجتماعی و اقشار در معرض آسیب از جمله این قشر محسوب می‌گردند. یکی از برنامه‌های محوری سازمان بهزیستی، ارتقای شاخص‌های توسعه انسانی و توانمندسازی از طریق ایجاد اشتغال مولد در جامعه هدف است. حفظ و افزایش عزت نفس، احساس مفید بودن برای جامعه، سلامت جسمی، ارتقای منزلت اجتماعی،

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که اشتغال توانسته است اثر مثبت و معناداری بر وضعیت اجتماعی آزمودنی‌ها بگذارد. از سوی دیگر، تفاوت معناداری میان آزمودنی‌ها در گروه‌های کارفرمایی (با میانگین 20/19)، خود اشتغالی (با میانگین 20/8) و تعاونی (با میانگین 13/36) از نظر وضعیت اجتماعی وجود ندارد. همچنین، تفاوت معناداری میان آزمودنی‌ها در گروه‌های شاغل در بخش کشاورزی (با میانگین 20/43)، صنعت (با میانگین 19/33) و خدمات (با میانگین 20/77) از نظر وضعیت اجتماعی وجود ندارد. این نتایج با نتایج پژوهش‌های هدمن (2003)؛ یول (2006)؛ افشاری (1375)؛ کربلایی و لالایی (1378) همخوان و هماهنگ می‌باشد. در تمام تحقیقات یاد شده بر اثربخشی اشتغال بر وضعیت اجتماعی تأکید شده است.

سؤال دیگری که در تحقیق حاضر بررسی شد این بود که آیا اشتغال می‌تواند بر وضعیت فرهنگی آزمودنی‌ها تأثیر بگذارد؟ جهت پاسخگویی به سؤال فوق از چند منظر به اثربخشی اشتغال بر وضعیت فرهنگی نگاه شده است.

نتایج نشان می‌دهد که میانگین تحصیلات گروه آزمودنی‌های شاغل (گروه آزمایش) معادل 7/6 و میانگین تحصیلات گروه آزمودنی‌های بیکار (گروه کنترل) معادل 6/77 می‌باشد. این تفاوت معنادار می‌باشد و به معنای اثر بخشی اشتغال بر وضعیت تحصیلات آزمودنی‌ها می‌باشد. از آن‌جا که میانگین آزمودنی‌های گروه شاغل بالاتر از گروه بیکار است، می‌توان نتیجه گرفت که اشتغال توانسته است اثر مثبت و معناداری بر وضعیت فرهنگی (از نظر تحصیلات) آزمودنی‌ها بگذارد. این تفاوت با توجه به تعداد افراد خانواده معنادار می‌باشد و به معنای اثر بخشی اشتغال بر تعداد افراد خانواده می‌باشد. از آن‌جا که میانگین آزمودنی‌های گروه شاغل (گروه آزمایش) کمتر از گروه بیکار (گروه کنترل) است، می‌توان نتیجه گرفت که

همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد، اشتغال بر وضعیت اقتصادی آزمودنی‌ها اثر مثبتی داشته است. همچنین، اشتغال بر وضعیت اقتصادی آزمودنی‌های شاغل در بخش‌های صنعت اثرات مطلوب‌تر و بهتری داشته است، به گونه‌ای که بیش از نیمی از آزمودنی‌های این بخش درآمد ماهیانه آنها بین 101 تا 200 هزار تومان در ماه بوده است. نتایج به دست آمده در مورد اثربخشی اشتغال بر وضعیت اقتصادی همخوان با نتایج به دست آمده در دانشگاه نبراسکا (2002)؛ رایس (2005)؛ جکسون (2001) می‌باشد.

همان‌طور که گفته شد، اشتغال به صورت‌های مختلف بر وضعیت اقتصادی آزمودنی‌ها تأثیر داشته است. به عبارت دیگر، آزمودنی‌هایی که به صورت کارفرمایی شاغل بوده‌اند (نسبت به سایر گروه‌ها) از وضعیت اقتصادی مطلوب‌تر و بهتری برخوردار می‌باشند. همچنین، اثر نوع اشتغال (دائم یا موقت) نیز بر وضعیت اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که بین آزمودنی‌هایی که به صورت موقت و آزمودنی‌هایی که به صورت دائم مشغول به کار می‌باشند تفاوت معناداری از لحاظ وضعیت اقتصادی وجود ندارد. این نتایج با نتایج پژوهش‌های قبلی (برای مثال، رایس، 2005؛ جکسون، 2001؛ نبراسکا، 2002؛ جونز، 2002؛ هدمن، 2003؛ کراوس، 2004؛ یول، 1996) هماهنگ و همسو می‌باشد.

سؤال دیگری که در تحقیق حاضر مطرح بوده است این است که "آیا اشتغال می‌تواند بر وضعیت اجتماعی آزمودنی‌ها تأثیر بگذارد؟" جهت پاسخگویی به سؤال فوق از چند منظر به اثربخشی اشتغال بر وضعیت اجتماعی نگاه شده است نتایج نشان می‌دهد که میانگین گروه آزمودنی‌های شاغل (گروه آزمایش) معادل 20/43 و میانگین گروه آزمودنی‌های بیکار (گروه کنترل) معادل 18/33 می‌باشد. این تفاوت معنادار می‌باشد و به معنای اثر بخشی اشتغال بر وضعیت اجتماعی آزمودنی‌ها است.

منابع

- اشتغال توانسته است اثر مثبت و معناداری بر وضعیت فرهنگی (از نظر تعداد افراد خانواده) آزمودنی‌ها بگذارد. از سوی دیگر، این تفاوت با توجه به نگرش به خانواده نیز معنادار می‌باشد و به معنای اثربخشی اشتغال بر نگرش به خانواده می‌باشد. از آنجا که میانگین آزمودنی‌های گروه شاغل (گروه آزمایش) بیشتر از گروه بیکار (گروه کنترل) است، می‌توان نتیجه گرفت که اشتغال توانسته است اثر مثبت و معناداری بر وضعیت فرهنگی (نگرش به خانواده) آزمودنی‌ها بگذارد. این نتایج با نتایج پژوهش‌های حسینی نسب (1381)؛ ابراهیمی (1381)؛ اوتادی (1381)؛ مباشرمقدم (1381)؛ هدمن (2003)؛ افشاری (1375)؛ کربلایی و لالایی (1378)؛ یول (1996) همخوان و هماهنگ می‌باشد. در تمام تحقیقات یاد شده بر اثر بخشی اشتغال بر وضعیت اجتماعی تأکید شده است.
- نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بین متغیرهای تحصیلات، تعداد افراد خانواده، درآمد ماهیانه، طبقه اجتماعی، نوع شغل (دائمی یا موقتی)، جنسیت، بیمه و پذیرش اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد، اما رابطه نوع شغل (بیکار و دارای شغل) و منابع تامین اعتبار با پذیرش اجتماعی معنادار است. به عبارت دیگر، داشتن شغل و کمک سرمایه کار توانسته است پذیرش اجتماعی آزمودنی‌ها را افزایش دهد.
- همچنین، نتایج بیانگر این است که بین متغیرهای تحصیلات، سن، درآمد ماهیانه، طبقه اجتماعی، نوع شغل (دائمی یا موقتی) و اشتغال در بخش‌های مختلف، جنسیت، بیمه و عزت نفس رابطه معناداری وجود ندارد، اما رابطه شهرستان محل اقامت، نوع شغل (بیکار و دارای شغل) و منابع تامین اعتبار با عزت نفس معنادار است. به عبارت دیگر، شهرستان محل اقامت، داشتن شغل و محل اشتغال و منابع تامین اعتبار (کمک سرمایه کار) توانسته است عزت نفس آزمودنی‌ها را افزایش دهد.
- ابراهیمی، حسین. (1381). *بررسی ارتباط سبک اسناد، عزت نفس و وضعیت اجتماعی - اقتصادی با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دختر سال سوم تجربی دبیرستان‌های اهواز*. شورای تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش استان خوزستان.
- افشاری، ملکه. (1375). *مقایسه عملکرد تحصیلی و سازگاری عاطفی - اجتماعی دانش‌آموزان پسر و دختر پایه اول راهنمایی مادران شاغل و غیر شاغل با کنترل هوش در شوشتر*. پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد چاپ نشده، دانشگاه تربیت معلم، تهران.
- اوتادی، علی اکبر. (1381). *مطالعه اثر بخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر استرس خانوادگی و پذیرش اجتماعی*. فصلنامه اصول بهداشت روانی. سال هفتم، بهار و تابستان 84، شماره 25، صص 55-47.
- ترابی کیا، هایده. (1377). *بررسی رابطه فرهنگ سازمانی و رضایت شغلی اعضای هیأت علمی دانشگاه تهران*. پایان نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده. دانشگاه الزهرا.
- حسینی نسب، سید داوود. (1381). *آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان*. سومین کنگره آسیایی - آفریقایی روان‌شناسی مالزی، بولتن پژوهشی دانشگاه تبریز، شماره چهارم.
- فورسایت، دانلسون. (1380). *پویایی گروه (شناخت و سنجش)*. ترجمه نجفی‌زند، جعفر؛ پاشا شریفی حسن. تهران: دوران.

- Chroas, M.M. (2004). *A person – environment analysis of job stress*. Journal of personality and social psychology, 49, 628 – 635.
- Joull, M.A. (2006). *Managerial thinking and international study*. New York: Pergamum.
- Hedman, E.E. (2003). *On the theory of social change*. Home wood, III: Dorsey Press.
- Jackson, D. (2001). *Guide to management*. Bus Hs, 30. 5.
- Jonse, C.A. (2002). *Toward a contingency theory of leadership*. Organizational behavior and human performance. 12, 62 – 82.
- Nebrascka (2002). *Organization development for operating manager*. NewYork: American association of management. 17, 102- 109.
- Riess, M. (2005). *Seating preference as impression*. Management communication, 11, 85 – 89.
- کربلایی، لالایی، م. (1378). *مطالعه‌ای پیرامون رابطه خویشتن باوری و میزان افسردگی در نوجوانان و نقش مادران در این فعل و انفعال*. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شماره 13 (1 و 2) 39-57.
- گلاس، و؛ استانلی، جولین. سی. (1368). *روش‌های آماری در تعلیم و تربیت و روان شناسی*. ترجمه اسفندیاری، مهتاش؛ عابدینی، جمال. تهران: ساوالان.
- مباشر مقدم، نسرين. (1381). *بررسی ارتباط هوش و سازگاری فردی- اجتماعی در نوجوانان تیز هوش و عادی*. پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد چاپ نشده، دانشگاه تهران.
- مولودی، علی‌رضا. (1370). *تاثیر شیوه‌های مشارکت کارکنان در فرایند نظارت سازمانی*. پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد چاپ نشده. دانشگاه تربیت مدرس.
- نور بلوچی، سیامک؛ مرتضوی، شهناز. (1371). *ارتباط مدیریت دموکراتیک با جمع‌گرایی فرهنگی در محیط‌های خانوادگی و شغلی ایرانی*. مجله‌ی پژوهش‌های روان‌شناختی، شماره 3 و 4، بهار و تابستان 1371، ص 3-10.
- یارایی، مژگان. (1378). *بررسی رابطه جو عاطفی خانواده با سازگاری فردی اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پایه سوم مدارس راهنمایی اهواز*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد چاپ نشده، دانشگاه اهواز.

Examination and Analysis of the Created Employment on the Social, Economical and Cultural Condition of the Target Society of Khorasane Razavi Province Behzisti Organization

Tozandejani. Hasan*¹

1) Faculty member of Islamic Azad University. Neyshabour Branch

* Corresponding author: D.tozandejani44@yahoo.com

Abstract

This research is a research of descriptive and Survey type which is done with the aim of examining the effect of created jobs on economic, Social and cultural condition of target population of Khorasan razavi welfare organization. So a Sample of 768 subjects were selected with stratified method from supported people of rehabilitation Social affair and prevention areas in welfare organization and distributed randomly in Two groups of 384 subjects in experiment And control group. In this research three questionnaire of job and family attitude (researcher-made), Rosenberg's self-esteem scale and

Crown-Marlow's social acceptance. The results indicated that there were significant differences in studied variables in two groups being compared. In other word, the jobs created have had a positive impact on economic, social and cultural condition of society under study. Meanwhile financing resources, type of job and the city of residence have significant relationship with self esteem and financing resources and type of job have significant relationship with social acceptance too.

Keywords: Job and Family attitude – Created Jobs (employment) - Economic and Social Condition.